

پیش‌خواب

نظری بر یک اثر تحلیلی – پژوهشی در باب تسخیر لانه جاسوسی امریکا انقلابی پس از انقلاب اول!

■ **شاهد توحیدی**



اثر تحلیلی – پژوهشی «انقلاب دوم» که به آثار و پیامدهای تسخیر لانه جاسوسی امریکا پرداخته است، در زمره آثار منتشره از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.
احمد رضا شاه علی در این پژوهش

تلاش دارد تا زمینه‌های سیاسی و فرهنگی این رویداد و همچنین آثار کوتاه‌مدت و درازمدت آن را به بررسی نشیند. مؤلف در دیباجه خود بر این تحقیق، درباره بسترهای این واقعه می‌نویسد: «هشدارهای حضرت امام (ره) در سال ۵۸ موجب شد تا دانشجویان ما یقین کنند که ایشان به عنوان رهبر و معمار انقلاب، اخبار و گزارش‌های منفی به دستشان می‌رسد که این گونه نسبت به اقدامات امریکا هشدار می‌دهند و همگان را به مقابله با این اقدامات دعوت می‌کنند، بنابراین پس از اشغال لانه جاسوسی، دولت امریکا نه فقط از فعالیت‌ها و حرکت‌های تخریبی خود نسبت به انقلاب اسلامی دست بردن‌داشت، بلکه پس از افشای اسناد لانه جاسوسی، سیستم جاسوسی و ارتباطات امریکا در داخل کشور به طور کامل مختل شد و سرپل‌هایش در ایران رو رفتند. مهم‌تر از همه اینکه، سفارت به عنوان یک جاسوس‌خانه رسمی و مطمئن از دست رفت. این امر باعث شد تا امریکا، آخرین حرکت خود – یعنی کودتای نظامی – را علیه ایران طراحی کند. هدف امریکا این بود که هم بتواند نظام مقدس اسلامی را سرنگون نماید و هم جاسوسان خود را از اسارت آزاد کند.

در این میان، اشاره به یکی از پیامدهای مهم واقعه تسخیر لانه جاسوسی ضروری به نظر می‌رسد. این واقعه، زمینه‌سازی برای حضور نیروهای متعهد و انقلابی پیرو خط امام (ره) در عرصه‌های مدیریتی کشور است. بدون شک، این حاشیه که عده‌ای از دانشجویان متعهد و متخصص کشور آن را آفریدند،



■ **نمایی از دو تن از گروگان‌های لانه جاسوسی امریکا**

موجب شد تا برخی از گروه‌ها و احزاب سیاسی که اعتقاد چندانی به ارزش‌های انقلاب نداشتند، از عرصه اجرایی حذف شوند و جوانانی که یک سال و اندی حضور در متن واقعه انقلاب دوم، آنها را کار کشته و پخته کرده بود، اداره امور کشور را اندک‌اندک در دست بگیرند. تا آنجا که بسیاری از آنها امروزه در بخش‌های مختلف اجرایی نظام، مشغول خدمت انقلاب هستند، هرچند بعضی از آنها به دامن لیبرالیسم لغزیدند.

در کنار این فعالیت اجرایی، امروزه از افکار و نظرهای بسیاری از همان جوانان پرشور، در عرصه تحقیق و پژوهش دانشگاهی، برای اداره هرچه بهتر امور کشور استفاده می‌شود. در این میان، لازم است تا از گروه دیگری از دانشجویان پیرو خط امام (ره) یاد کنیم؛ آنها که امروزه در میان ما نیستند. عزیزی که چون شهید رجایی، شهید هادی‌زاده، شهید بسطامی، شهید کدخدازاده و دهها دانشجوی شهید دیگر با آغاز جنگ تحمیلی، داوطلبانه به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافتند و به مقام رفیع شهادت نرسد یافتند. به یقین روح این یاران فراموش‌نشدنی، ناظر اعمال و رفتار ماست و ما در فرای قیامت، باید در برابر آن پاسخگو باشیم.»

بخش دیگری از مقدمه مؤلف، به تشریح محتوای اثر «انقلاب دوم» نظر دارد: «واقعه تاریخ‌ساز و بی‌نظیر تسخیر لانه جاسوسی امریکا در تهران، حسانه‌ای جاویدان و تأثیر گذار در سیر تکوین و بلوغ انقلاب اسلامی بود. اگر این کار انجام نمی‌شد،

سیر حوادث ۲۵ سال اخیر به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و باعث می‌شد تا جمهوری اسلامی در نقطه‌ای قرار بگیرد که با کمال مطلوب بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، فاصله زیادی داشته باشد. این مسئله، ضرورت انتشار کتاب‌های تحلیلی که در بردارنده اطلاعات صحیح و غیر مغرضانه از وقایع آن روزها باشند را بیش از پیش روشن می‌کند. از این رو در اثر «انقلاب دوم» سعی شده است با ارائه تحلیل‌های درست و واقع‌بینانه از شرایط حاکم بر جامعه آن روز ایران، علل تسخیر لانه جاسوسی و واکنش نیروهای مختلف سیاسی کشور نسبت به این واقعه و پیامدهای داخلی و خارجی آن بررسی شود. امید می‌بریم که انتشار این کتاب و کتاب‌های ارزنده دیگر از این دست، زمینه آشنایی بیشتر جوانان و نوجوانان برومند ایران اسلامی را با واقعه‌ای که تصویر روشنی از آن در ذهن ندارند، فراهم کند.»

■ **سمانه صادقی**

چهلمین سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا در ایران در حالی که چند نسل با آن فاصله یافته‌ام، به درخور مروری مجدد است. امید آنکه خوانش پیش رو برای عموم به ویزه جوانان مفید آید.

■ ■ ■

وقتی جیمی کار ترر رئیس‌جمهور وقت امریکا در خصوص موضع‌گیری دولتش نسبت به شاه مخلوع ایران اظهار داشت: «ما به شاه ایران مانند یک دوست و متحد وفادار می‌نگریم» عده‌ای از دانشجویان به این جمع‌بندی رسیدند که باید چهره مداخله گرایانه امریکا را به جهان معرفی نمایند. لذا به همین منظور طرح اشغال سفارت امریکا از سوی آقایان بیطرف، میردامادی و اصغرزاده در جلسات دانشجویان پیرو خط امام مطرح شد. اما ورود شاه مخلوع ایران به خاک امریکا در س‌ام مهرماه ۱۳۵۸ به بهانه معالجه بیماری سرطان غدد لنفاوی و دیدار برزیسیکی با بازرگان و یزدی در دهم آبان‌ماه در الجزایر، علاوه بر ایجاد انزجار مردم ایران نسبت به ایالات متحده سبب شد دانشجویان اجرای طرح خود را فوریت ببخشند. لذا ساعت ۱۰ صبح سیزدهم آبان‌ماه ۱۳۵۸، دانشجویان پیرو خط امام(ره) سفارت امریکا را مورد حمله قرار داده و با بریدن قفل و زنجیرهای در و شکستن آن به راحتی به حیاط سفارت وارد شدند و کارکنان سفارت را گروگان گرفتند. آنان قصد داشتند با این اقدام انزجار خود را از امریکا نسبت به پذیرش شاه به جهان ابراز کنند.

■ **اولین تسخیر ناکام**

ناگفته نماند که پیش‌تر نیز یعنی بیست و پنجم مهرماه ۱۳۵۸ چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق به سفارت امریکا در تهران حمله کرده و حیاط آنجا را به اشغال خود درآورده بودند. این یورش باعث شده بود تفنگداران امریکایی محافظ سفارت‌خانه به مقابله با آنها پرداخته و از گاز اشک‌آور استفاده کنند. هر چند با وخیم‌تر شدن اوضاع سفیر وقت امریکا ویلیام سالیوان با دولت موقت تماس گرفت و از آنها کمک خواست. با عدم تأیید این حرکت از سوی حضرت امام(ره)، ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت به نمایندگی از دولت به همراه نیروهای کمیته انقلاب، پس از چند ساعت به غائله خاتمه داد و مهاجمان، سفارت را ترک کردند. در بی این اقدام ابراهیم یزدی ضمن عذرخواهی از سالیوان این واقعه را حاصل عوامل کنترل نشده انقلاب دانست و به او اطمینان داد که امنیت آنها از آن به بعد تضمین خواهد شد. با تسخیر سفارت، آنجا به یک وزارت‌خانه و یک ستاد مبدل شد که کسی حاضر به ترک آن نبود.



پس از تهدید دولت امریکا مبنی بر حمله نظامی به ایران، دانشجویان پیرو خط اسام در اطلاعیه‌ای تأکید کردند در صورتی که تهدیدات نظامی امریکا جنبه واقعی به خود گیرد، تمامی گروگان‌ها یکجا نابود خواهند شد!

عاریخ

کفتد و کوف ۸۸۴۹۸۴۳۷



خوانشی از حاشیه و متن یک رویداد که اینک ۴۰ساله شده است

مواجهه ناگزیر!

■ **چندو چون یک تسخیر**

دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه‌های تهران، شریف، پلی تکنیک و ملی (شهید بهشتی) تصمیم گرفتند جهت شناساندن چهره استعمارگر امریکا، سفارت این کشور را به تسخیر خود درآورند. به همین منظور اولین جلسه جهت تسخیر سفارت در حضور دو نماینده از هر دانشکده در دانشگاه پلی تکنیک و در اتاق رسم فنی دانشکده علوم انجام گرفت. در آن جلسه آقایان علی‌اصغر زحمتکش، حبیب‌الله بیطرف، محسن میردامادی، ابراهیم اصغرزاده و سید محمدهاشمی شرکت داشتند. در واقع جهت تسخیر سفارت قرار می‌شود دانشجویان دانشگاه تهران با کمک آقای بیطرف و دانشگاه امیرکبیر با کمک آقای میردامادی و دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف با کمک آقای اصغرزاده و دانشگاه ملی که بعدها شهید بهشتی نام گرفت، با کمک آقای باطنی هماهنگ شوند. با آنکه قرار بود از دانشجویان هر دانشگاه‌ه‌ای برای این حرکت دعوت شوند و نمایندگان دانشگاه‌های تهران و شریف هم خیلی گزینشی شده افراد را به تسخیر سفارت دعوت کردند ولی بعضی از دانشجویان از طریق بلندگو از افسراد دعوت به عمل آوردند. مثلاً نمایندگان دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ساعت ۷صبح از طریق بلندگو اعلام کردند: «ما می‌خواهیم برویم و سفارت امریکا را بگیریم و هر کسی می‌خواهد بیاید با ما برویم.» نهایتاً حدود ۴۰۰ دانشجو بین ۱۹ تا حداکثر ۲۳ سال در یک طراحی جامع روز یکشنبه ۱۳ آبان ساعت ۱۰ صبح وارد سفارت شدند. ناگفته نماند که از میان ۴۰۰ نفر نزدیک به ۱۵۰ نفر از طرف دانشگاه ملی برای این حرکت دعوت شده بودند. هدف دانشجویان از تسخیر سفارت رساندن صدای مظلومیت ملت ایران، در برابر سیاست‌های مداخله‌گرایانه امریکا به گوش جهانیان و کشف اسناد سیاست‌های مداخله‌جویانه امریکا بود. در واقع دانشجویان ایران با تسخیر سفارت توانستند ابهت امریکا را در نزد جهانیان درهم بشکنند. ناگفته نماند که جز سیدمحمد موسوی خونی‌ها و حسن لاهوتی هیچ کس از برنامه دانشجویان خبر نداشت. جواد منصوری نخستین فرمانده سپاه در خصوص چگونگی تسخیر سفارت می‌گوید: «اصلاً فکر نمی‌کنم کسی از ماجرا در کشور اطلاع داشت جز آقای لاهوتی و سپه‌ا. ما هم آن موقع تصورمان این بود که تسخیر سفارت با امام و شورای انقلاب هماهنگ شده است. با آنکه در ابتدا قرار بود ما بعدها معلوم شد که وی با هیچ کس هماهنگ نکرده است.»



دانشجویان پیرو خط امام در حال باز یافت اسناد لانه جاسوسی امریکا

مجاهدین خلق بودند که حتی اعلامیه‌ای هم صادر کردند و این حرکت چپ روی را از موضع راست خواندند و با استفاده از اصطلاحات خاص خود دانشجویان پیرو خط امام را از تجاع‌طلب و از عوامل حزب جمهوری نامیدند. اما پس از آنکه با استقبال مردم از تسخیر سفارت روبه‌رو شدند، مواضع انقلابی گرفته و گفتند: «این حرکت از بطن مردم است.» علاوه بر این باافاصله پس از تسخیر سفارت میلیشیای مجاهدین تمام روز را پشت در سفارت اقدام به برگزاری تجمعات خود کرد.

■ **کشف اسناد مهره‌های امریکایی**

ابوالحسن بنی‌صدر چند هفته پس از اشغال سفارت به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب مبارزه‌ای را آغاز کرد تا دانشجویان را مجبور به تحویل همه اسناد به دولت کند. در واقع تلاش‌های بنی‌صدر برای دستیابی به اسناد هم بسیار عجیب بود. البته شاید نگرانی وی از این جهت بود که برخی اسناد بانگر ارتباط مخفیانه او با یک تاجر امریکایی بودند. اما فرمان حضرت امام(ره) مبنی بر اینکه اسناد باید توسط دانشجویان نگهداری شود و بدون در نظر گرفتن موقعیت افراد منتشر شوند، تیر خلاصی بود برای دستیابی بنی‌صدر به اسناد. ناگفته نماند که حضرت امام (ره) در خصوص انتشار اسناد حتی فرموده بودند: «حتی اگر چیزی درباره من نیز پیدا کردید، افشا کنید.»

اما اجرای اسناد کشف شده از بنی‌صدر چه بوده در دی ماه ۱۳۵۸، در گاو صندوق اتاق رئیس پایگاه سیا در تهران هفت سند درباره بنی‌صدر کشف شد. در واقع یکی از مأموران سیا با اسم رمز گای راذرفورد در پاریس و تحت عنوان تاجر به او نزدیک شده بود. در خصوص نحوه ارتباط‌گیری با بنی‌صدر، کارشناس سیا در گزارش خود نوشته است: «بنی‌صدر تمایل همکاری با ما دارد و دارای ثمره مثبت است. وی منظر خروج خمینی از محنه سیاست است. بنی‌صدر خمینی را خطاکار می‌داند، وی اگر احساس کند رژیم به نفع او پیش نمی‌رود، علیه رژیم توطئه خواهد کرد. او حتی روزنامه‌ش را نیز به این منظور ایجاد کرده که به عنوان پایگاه قدرتی جهت مقاصد سیاسی آینده‌اش استفاده نماید.» در بخشی دیگر از اسناد کشف شده در مورد خصوصیات بنی‌صدر آمده است: «بنی‌صدر فردی جاذطلب و زیرک است، بنی‌صدر یک دیوان‌سالار است تا یک انقلابی، هر روز که می‌گذرد بنی‌صدر بیشتر حالت دیوان‌سالاری به خود می‌گیرد.»

ناصر میناچی به عنوان یکی از وزیران دولت موقت نیز برخی اسناد سفارت امریکا را به خود اختصاص داده بود و حجم فراوان متاس‌های او و امریکایی‌ها نشان می‌داد که وی نیز یک منبع اطلاعاتی مناسب برای امریکایی‌ها بوده است. او از جمله کسانی بود که از همکاری و جگتم پاسدار هم این کار را نمی‌کند. بعد هم تراس می‌یزدی که آن زمان وزیر امور خارجه بود تماس گرفت. صدراعاج سید جوادی هم با آقای لاهوتی وزیر دادگستری تماس گرفت. آقای لاهوتی گفت چه کنیم. من گفتم با امام تماس بگیریم و ببینید که چه کار کنیم. بعد طرح مسئله با امام، ایشان تا چند ساعت اول خیلی قاضیه برایشان روشن نبود اما یک مرتبه یک روز بعد موضع شدیداً دفاعی گرفتند و از این حرکت دفاع کردند و این حرکت را انقلاب دوم ایران که اهمیتش از انقلاب اول بیشتر بود، خواندند.»

شهید بهشتی نیز پس از شنیدن پیام حضرت امام(ره) قاطعانه از این حرکت دانشجویان دفاع کردند و گفتند: «به امریکا بگویند ما م عصبانی باشد و از این عصبانیت بمیرد.» علاوه بر آن شهید بهشتی در مصاحبه‌ای هم که هشتم آذرماه ۱۳۵۸ با مجله آلمانی اشترن داشتند، گفتند: «در اولین مرحله انقلاب به سلطه سیاسی امریکا بر ایران پایان دادیم و در مرحله دوم، سلطه اقتصادی امریکا را در هم خواهیم شکست.»

■ **موضع‌گیری احزاب**

تسخیر سفارت امریکا فرصت خوبی جهت کسب وجهه در نظر مردم از سوی احزاب بود. به همین منظور از حزب توده بگیر تا حزب جبهه ملی، حزب پیکار، کانون نویسندگان و... همگی با انتشار اعلامیه‌هایی از این حرکت دانشجویان پیرو خط امام حمایت کردند. هر چند که برخی از این گروه‌ها بعدها نظرات مخالفی نسبت به این حرکت ابراز کردند و آن را علت عدم‌پیشرفت کشور دانستند. البته این حرکت مخالفانی را هم در میان احزاب داشت. از جمله مخالفان اولیه این حرکت

شاه جنایتکاری است که میلیاردها دلار از ملت

ایران را دزدیده است. با این حال پارلمان اروپا هم با انتشار بیانیه‌ای در بیست و پنجم آبان ماه گروگانگیری و اشغال سفارت امریکا در تهران را محکوم کرد. کاخ الیزه فرانسه نیز سی‌ام آبان ماه با صدور بیانیه‌ای اشغال سفارت امریکا در تهران را نکوهش کرد و جمهوری اسلامی ایران را به «قض قوانین بین‌المللی و نادیده گرفتن مصونیت سیاسی دیپلمات‌ها» متهم نمود. سفارت انگلیس در تهران هم اعلام کرد قصد دارد بیش از نیمی از ۴۰ عضو فعلی‌اش را به انگلستان بفرستند. وزیران خارجه عضو شورای اروپا نیز با صدور بیانیه‌ای در دوم آذرماه اقدام دانشجویان ایرانی در تصرف سفارت امریکا در تهران را محکوم کردند و خواستار آزادی بی‌درنگ گروگان‌های امریکایی شدند. سیزدهم آذرماه هم ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه‌ای خواستار آزادی فوری گروگان‌های امریکایی در تهران شدند. در این میان موشه‌دایان تنها فردی بود که طی نقلی گفت: «امریکا از ابتدا نباید تجهیزات نظامی فوق‌مدرن را در اختیار دولت‌هایی مانند ایران یا عربستان قرار می‌داد بلکه باید آنها را در اختیار اسرائیل بگذارد و پایگاه نظامی دائمی خود را برای نظارت بر تحولات خاورمیانه در اسرائیل بنانهد.» صادق قطب‌زاده هم از جمله افرادی بود که در جریان گروگانگیری سفارت مانور زیادی داد. حتی شایع شد که وی دیداری هم با مقامات امریکایی انجام داد اما وی در مصاحبه با رویترز عنوان کرد: «شخص اینجانب و وزارت خارجه هیچ گونه تماس مستقیم یا غیرمستقیمی با امریکا نداشته‌ام و راحل‌رمان همان مطالبی (استرداد شاه و اموال او به ایران) است که بارها گفته‌ام.» اما چند سال بعد «گری سیک» مشاور سابق امنیت ملی کاخ سفید امریکا در کتابش از دیدار سه ساعته قطب‌زاده وزیر وقت امور خارجه ایران و «همیلتون جرج» رئیس کارکنان کاخ سفید در ۲۸ بهمن ۱۳۵۸ در پاریس خبر داد. در آن دیدار قطب‌زاده در پاسخ به جردن در خصوص اینکه چگونه می‌توان این بحران (گروگانگیری) را با صلح و آرامش و حفظ حیثیت طرفین پشت سر گذاشت، می‌گوید: «راحل ساده است. من پسر خوبی برای امریکایی‌ها هستم. شما شاه را بکشید.»

■ **آغاز تحریم‌های امریکایی‌ها علیه ایران**

جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت امریکا در جلسه دی شورای امنیت ملی کشورش در بیست‌وپنجم آبان‌ماه گفت که در نظر دارد یک رشته اقدامات تنبیهی علیه ایران آغاز کند و این کار را با قطع خرید نفت ایران شروع می‌کند. او گفت ما خواهان اقدامات مشابهی از جانب متحدان خود هستیم.» حضرت امام (ره) هم بیست و آبان ماه در سخنانی فرمودند: «آقای کارتر ما را از مبارزه ترسانند. ما مرد جنگی هستیم و اهل مبارزه. ما ترجیح می‌دهیم که آبرویمان حفظ شود و شکمان گرسنه بماند.» سپس از آن کارت‌ر دست‌ور قطع خرید نفت از ایران و توقیف تمامی دارایی‌ها و اموال ایران نیز هجدهم آذرماه به خاطر ضبط اموال و توقیف دارایی‌های کشور در بانک‌های امریکایی به صندوق بین‌المللی پول شکایت و تقاضای رسیدگی کرد. اما این پایان موضع‌گیری امریکا علیه ایران نبود. کارت‌ر بار دیگر سی‌ام آبان ماه اخطار کرد اگر ایران تهدیدات خود در مورد محاکمه گروگان‌های امریکایی در تهران را عملی نماید، به این کشور حمله نظامی کند. هرچند در مقابل این سخنان حضرت امام(ره) اظهار داشتند: «کارت‌گاهی ما را از (عاطف) نظامی و از جهات اقتصادی می‌ترساند و خود هم می‌داند که ما این طبل میان تپی است که دارد می‌زند، نه همچو عرصه نظامی دارد و نه از او گوش می‌کنند.» از طرفی وزیر اطلاعات اسپانیا نیز اول آذرماه اعلام نمود در صورت اقدام نظامی احتمالی امریکا علیه ایران به دولت امریکا اجازه نخواهد داد که از پایگاه‌هایش در این کشور استفاده کند. در همین راستا دانشجویان سلمان پیرو خط امام نیز اول آذرماه ۱۳۵۸ اطلاعیه‌شمار ۴ خود تأکید کردند در صورتی که تهدیدات نظامی امریکا جنبه واقعی به خود گیرد، تمامی گروگان‌ها یکجا نابود خواهند شد. انتشار این اطلاعیه باعث شد جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت امریکا نیز هفدهم آذرماه ۱۳۵۸ در سخنانی اعلام کرد: «من به هیچ اقدامی دست نخواهم زد که سبب ریختن خون گروگان‌های امریکایی در تهران یا برانگیختن دانشجویان گروگانگیر برای مجازات گروگان‌ها شود. من بسیار میانه‌رو و محتاط خواهم بود.» اما روز بعد سایبروس ونس وزیر خارجه امریکا سفر زنجیره‌ای خود به کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال و بلژیک را با هدف مشورت با رهبران این کشورها در مورد اعمال فشار بر ایران جهت واداشتن دولتمردان این کشور به آزادسازی گروگان‌های امریکا آغاز کرد. هرچند که دولت سئویس از این طرح مخالفت نمود و در تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شرکت نکرد.» اقدام س‌ای سی‌ام دی ماه ۱۳۵۹ پس از کش‌مکش‌های بسیار و گذشت ۴۴۴ روز ۵۲ گروگان امریکایی را پذیرش قرارالد الجزیره از سوی دولت ایران و امریکا آزاد شدند. این رویداد با شکست کارتر در انتخابات و خروج وی از کاخ سفید همزمان بود.